



صدام حسین و سیگار عجیبش در اجلاس سران کشورهای عرب



زمان ما تو محل هر کی فوتبال رو به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کرد از اینا می پوشید



ابرهای توفانی در عکس روز نشنال جئوگرافیک



ژست معلم نمونه سال ۲۰۱۷ "رود آیلند" آمریکا در عکس یادگاری همراه ترامپ و بانوی اول آمریکا



سلفی فقط این، بقیش سوسول باز به

بازتاب یک عکس در فضای مجازی

قالیباف باورش نشده انتخابات تموم شده!



میده چنین کارهایی را میکنه»، «هنوز داره برای انتخابات فعالیت میکنه»، «قیافه بچه‌ها شاده که بهشون توجه شده وشمام چرب خوردن و با شهردار عکس انداختن ولی ای کاش این عکس روی لباس هانلود»، «متأسفانه کودکان ایزاری برای خودخواهی شدند»، «متأسفم برای حفظ قدرت دست به چه کارهایی زدی جناب قالیباف»، «این همونه که می‌گفت من حامی ۹۶درصدی‌هام»، «هروقت دیگه تو جامعه کودک کار نبود بره پاهاشون عکس بگیره»، «عکس اشکالی



آفتاب یزد - گروه شبکه: دیگر همه به کارهای لحظه آخری او آنهم به هر قیمتی عادت کرده‌اند. فرقی نمی‌کند که نزدیک به انتخابات باشد یا پایان شهردار بودنش. یا متروبی را نیمه‌تمام افتتاح می‌کند یا سخنان عجیب بر زبان می‌راند یا با کودکان افطار می‌کند آنهم با لباسی منقش به چهره خودش! داستان از این قرار است که محمد باقر قالیباف، شهردار تهران که واپسین روزهای ریاستش بر شهرداری تهران را می‌گذراند، دست به اقدام عجیبی زده که با واکنش‌های گسترده‌ای از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شده است. او هم‌زمان با شب ۲۱ ماه مبارک رمضان و شهادت امیرالمؤمنین (ع)، ضمن بازدید از جشنواره تفریحی - ورزشی دایر در برج میلاد، با تعدادی از ایتام که جهت استفاده از امکانات ورزشی در برج میلاد حضور داشتند، به گفتگو پرداخت. جالب اینجاست بود که بر تن این کودکان تی‌شرت‌هایی منقش به عکس‌های قالیباف دیده می‌شد. حال این مسئله که از چشم کاربران دور نمانده، واکنش‌هایی را به دنبال داشته است که در زیر بخشی از آنها را می‌خوانید. یکی از کاربران در این خصوص توییت کرده است: «از این عکس نتیجه می‌گیریم می‌خواد به بچه‌ها جواب انشای می‌خواهد در آینده شبیه کی بشید رو بگه». فرد دیگری نوشته: «دیگه نمونه جطور خودش رو نشون بده. شخصی نیز عنوان داشته است: «فکر کنم دل‌مون باید به حال قالیباف بسوزه. آدم اینقدر دستش خالی بشه که به چنین حرکتی رو بیاره!» دیگری نوشت: «این عکس فقط به عکس نیست، کلی ریا و شعار توشه».

یکی دیگر از کاربران اینطور نوشت: «برای روی کار آمدن شهردار جدید تهران لحظه شماری می‌کنم تا از این ریاکاری‌ها دور شویم». کاربران دیگری اینطور نوشته‌اند: «وقتی ۹۶ درصدی‌ها ویتربسی برای ژست گرفتن می‌شوند»، «قالیباف تی‌شرت‌هایی را با عکس خودش تن کودکان کار می‌کند و بعد عکس یادگاری می‌گیرد، آقا جان انتخابات تمام شد»، «یعنی انسان تاجه حدی می‌تونه... باشه که ازیناز آن بچه‌های معصوم برای دیده شدن استفاده کنه»، «بعد از کردار و گفتار قالیباف در مناظرات فکر نمی‌کردم بیش از این شگفت‌زده شم»، «اینها کودکان کارند، نه ایزار کار. کاش یکی تفاوت این دو "کار" را برای سردار توضیح می‌دادا»، «هنوز یادم نمیره که این آدم تو مناظره‌ها از واژه مردم بدبخت استفاده کرد»، «قالیباف کار رو به سر حدش رسونده واقعا، نمونه بارز سقوط در سرانحی بی‌اخلاقی برای قدرت به اسم خدمت است»، «شبیفتگی برای دیده شدن»، «حالا که قالیباف داره پستش رو از دست

واکنش کاربران به انتشار اسناد حمایت آمریکا از کودتا ۲۸ مرداد ماه پشت ابر نمی‌ماند

بنویسند زور تحریفشان به حقیقت نمی‌رسد»، «فراموش نکنیم کاشانی بعد از تبعید، کارهای بسیاری برای دولت مصدق کرد. کاشانی یک از نیمه راه بازمانده بوده‌مین»، «مصدق به پشتوانه کاشانی نخست وزیر شد جلاد رو رها کردن، کودتا رو انداختن گردن شهید»، «با توجه به وقاحتی که من از آمریکایی‌ها سراغ دارم همین امروز فراداست که بیان بگن اسناد

کودتا در سرنگونی دولت مصدق در ایران نقش داشته‌اند. حال با انتشار کتاب اسناد مرتبط با این کودتا از سوی آمریکا، بار دیگر کودتای ۲۸ مرداد بر سرزبان‌ها افتاده و واکنش‌های بسیاری را از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشته است. یکی از کاربران در این خصوص نوشته است: «حالا کی می‌خواد جواب بده برای اون همه کتاب تاریخ که توش نوشتن کاشانی حواس بود و مصدق کم توجهی می‌کرد!»، فردی نیز عنوان داشته است: «در پیچیده بودن سیاست همین بس که بعد از شصت و اندی سال تازه خیلی چیزها رو می‌فهمی اونم با افشای اسناد». یکی دیگر از کاربران اینطور نوشت: «مصدق که مدام به مخالفینش انگ انگلیسی بودن می‌زد، خود از طرف نشریه‌های وابسته به حزب توده، به خوش خدمتی برای انگلیس و آمریکا متهم می‌شد». کاربران دیگر نوشته‌اند: «نه ماهی تا ابد پشت ابر می‌ماند و نه سسکه بدلی جای زر نساب می‌گیرد، تاریخ را فاتحان هم



کامنت امروز

این سلبریتی‌ها!؟

محمد ماکویی سلبریتی‌ها یا همان افراد شناخته‌شده ایرانی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: آنهایی که به سبب جدی گرفتن درس و مشق و به‌کاربندی عملی آموخته‌ها سلبریتی شده‌اند، کسانی که درسی دیگر خوانده‌اند و در زمینه‌ای که ربطی به رشته تحصیلی‌شان نداشته سرشناس گشته‌اند و اشخاصی که با وجودی که فاقد تحصیلات دانشگاهی و آکادمیک هستند به سبب ذوق و استعداد خدادادی یا تمرین و ممارست بیش از میزان لازم یا هر دو اینها سری توی سرها درآورده‌اند. سلبریتی‌های دسته اول چندان فت و فراوان نیستند و تازه اتفاق خنده‌دار و عجیب این است که بسیاری از افراد این گروه در عوض اینکه درسی را بخوانند و به مناسبت این درس خوانی سلبریتی شوند در ابتدا سلبریتی شده و بعد سرغ اینک درشنش را هم بخوانند رفته‌اند. نمونه بارز این افراد قهرمانان جهان و المپیک هستند که تنها پس از مدالی آوری سر از دانشگاه در آورده و دانشجو یا دانش آموخته تربیت‌بندی شده‌اند.

بسیار دیگر اینان در ابتدا عملاً بدن خود را تربیت داده‌اند و بعداً بر آن شده‌اند که توری‌ها و اصول تربیت بدن را هم فراگیرند. در میان سلبریتی‌های دسته دوم افراد سرشناس زیادی را می‌توان پیدا کرد که از جمله مهم‌ترین ایشان «علی دایی» و «عادل فردوسی‌پور» را می‌توان مورد اشاره قرار داد. همه می‌دانیم که علی دایی با وجود مهندس بودن به علت آقای گلی جهان در ایران و جهان است که کاملاً شناخته شده و حتی در فیفا صاحب اسم و رسم است (شاید شما هم این شوخی را شنیده باشید که تنها فارغ‌التحصیل موفق دانشگاه صنعتی شریف علی دایی است، زیرا فهمیده که بسیاری بهتر است که مهندسی را رها ساخته و سر از فوتبال در آورد). برخلاف لطیفه مورد اشاره عادل فردوسی‌پور دیگر شریفی موفق به حساب می‌آید، اما موفقیت و چهره بودن او نیز بیش از آنکه از استاد دانشگاه بودن سرچشمه بگیرد به مجری شدن در برنامه محبوب و پرطرفدار نود مربوط است. از میان سلبریتی‌های دسته‌سوم، هم می‌توان به مه‌ران مدیری که یک کارگردان و بازیگر کارگرد است، اشاره کرد (قطعاً به دیدگاه‌های سیاسی وی کاری نداریم) و هم می‌شود مهناز افشار که بازیگر توانای سینمای ایران است را مثال زد و او اینکه

خیلی‌ها شباهت کم‌نظیر او به یکی از بازیگران قدیمی سینمای ایران را عامل ظهور و عرض‌اندام وی در هتر هفتم به‌شمار بیآورند. از سلبریتی‌های یاد شده به سلبریتی‌های دسته اول که بهترین کار ممکن را کرده‌اند کاری نداریم. با این حال خوب می‌بینیم که درباره دو گروه دیگر از افراد شناخته شده حرف‌هایی بر زبان آوریم. اینکه سلبریتی‌ها درسی را بخوانند و در زمینه‌ای که ربطی به رشته تحصیلی‌شان ندارد چهره شوند هم این اشکال را دارد که جای بقیه دانشجویها تنگ می‌شود و هم دارای این ایراد است که به جامعه هزینه‌هایی نابایسته تحمیل می‌کند. با این حال این نکته نیز حائز اهمیت است که با وجودی که سلبریتی‌ها پیش از مردم عادی خودساخته هستند و می‌توانند راحت‌تر از عوام حرف خود را بر کرسی بنشانند با مشکل جدی مواجه‌گردند. نکته نشدن قبل از سلبریتی شدن» به عبارت دیگر بسیار محتمل است که حتی فردی همانند علی دایی در عوض گویندگی «فقط می‌خواهم به فوتبال بپردازم» شنونده «درست را بخوان!» فوتبال را هم کنارش ادامه بدهد» باشد. از این گذشته وقتی مردم برای یک «مهندس فوتبالیست» بیش از یک «دبلمه فوتبالیست» ارزش و احترام قائل‌اند و به این نکته فکر نمی‌کنند

خلاصه می‌شود متهم دانست!؟